

# کیسینجر وارونه

امریکا می‌کوشد با ایجاد شکاف بین روسیه و چین، یک استراتژی مربوط به دهه ۱۹۷۰ را زنده کند



**دکتر سید نعمت‌الله عبدالجیم‌زاده** در حالی که تنش در مرز اوکراین ادامه دارد، پسر او ۳۹‌جنگنده چینی در منطقه دفاع هوایی تایوان به تنش در این سوی نیمکره دامن‌زده است. این به معنای شدت یافتن تنش در دو سوی غربی و شرقی است که امریکا در گیر هر دو است. به عبارتی دیگر، امریکا در عین اینکه باید با متحد نگهداشتن شرق‌کای اروپایی خود جبهه مقابل روسیه را در اوکراین حفظ کند، باید به شرق‌کای خود در اقیانوس آرام و بسه خصوص جزیره تایوان اطمینان دهد که در مقابل چین در کنار کای اروپایی خود جبهه مقابل روسیه را در اوکراین چندان تمایلی به جبهه‌بندی آن در مقابل چین در اقیانوس آرام و هند نداشته باشند، چنانکه متحدان اقیانوس آرام نیز تمایلی برای ورود به بحران اوکراین ندارند. این باعث شده امریکا خود را در این دو جبهه در برابر روسیه و چین ببیند که بیش از گذشته با یکدیگر همکاری می‌دارند و برخی با طرح نظریاتی مثل «کیسینجر وارونه، reverse Kissinger» به به دنبال راهکاری برای مقابله امریکا در برابر این دو کشور باشند.

**روابط نزدیک**

شکی نیست روسیه و چین در حال حاضر همکاری بی‌سابقه‌ای با یکدیگر دارند. شاهد این مدعا برگراری مانورهای نظامی مشترک متعددی است که این دو در سال‌های اخیر داشته‌اند. این همکاری نزدیک نظامی جدی از تعاملات سیاسی و اقتصادی و حتی روابط نزدیک شخصی بین رهبران دو کشور است. به یاد داشته باشیم که چین با خرید بیش از ۳۱ درصد نفت صادراتی روسیه بزگ‌ترین مشتری آن است و با این کار به مسکو کمک

می‌کند بتواند در برابر تحریم‌های غرب به رهبری امریکا مقاومت کند. علاوه بر این، میزان تجارت بین دو کشور طی سال میلادی گذشته رشد قابل توجهی داشت چنانکه این میزان تا ۱۳۰ میلیارد دلار بالاتر رفت و رکورد جدیدی را ثبت کرد. انتظار می‌رود که این رشد در سال جاری به روند ۲۰۰ میلیارد دلار نیز برسد. شکی نیست که تحریم‌های بیشتر امریکا علیه روسیه به واسطه بحران اوکراین فرصت بیشتری برای پکن فراهم می‌کند تا مشارکت اقتصادی خود را با مسکو بیشتر از این حد بکشد. این نزدیکی که تحریم‌های بیشتر امریکا علیه روسیه و چین رسید بیشتر به منظور برگراری مانورهای نظامی و گشکنی مشترک بود تا تعهد آرام‌روا نظامی هر یک نسبت به دیگری، دوم، ادعاهای ارضی بین دو کشور در ۲۰۰۴ و با نوعی مصالحه حل و فصل شد. با وجود این، ملی‌گرایان چینی هنوز نیز منطقه منچوری بیرونی را بخشی از سرزمین خود می‌دانند و سخت تلاش می‌کنند تا آن را از روسیه پس بگیرند. لازم به یادآوری است که درگیری نظامی بین دو طرف در ۱۹۶۹ در همین منطقه بر مبنای ادعاهای ارضی به

## درد

**درد** **اتحاد یا همکاری**
هدف جنگ‌سرد کیسینجر این بود که با گشایش روابط چین و امریکا بتواند شکافی بین شوروی و چین ایجاد کند تا اینکه مهار شوروی بسای امریکا راحت تر بشود که البته در مأموریت خود موفق شد و نه تنها این شکاف به وجود آمد بلکه چین در عمل مبدل به رقیب شوروی در جهان کمونیستی شد

# پیر الممل

سرویس بین‌الملل ۹ آگوست ۸۸۴۹۸۴۴

دولت‌های سابق امریکا این بود که اجازه دادند روسیه به سوی چین رانده شود. در واقع، این نوشته یک نوع بازخوانی از مقاله مشهور جورج کنان در ۱۹۴۷ بود که پایه نظری مهاد اتحاد جماهیر شوروی را به وجود آورد و سفر ۱۹۷۱ هنری کیسینجر به چین نیز بر همین مینا بود. هدف کیسینجر این بود که با گشایش روابط چین و امریکا بتواند شکافی بین شوروی و چین ایجاد کرد تا اینکه مهار شوروی برای امریکا راحت‌تر بشود. کیسینجر در مأموریت خود موفق شد و نه تنها این شکاف به وجود آمد بلکه چین در عمل مبدل به رقیب شوروی در جهان کمونیستی شد. حالا تصور می‌شود که می‌توان همان استراتژی کیسینجر را اما به نحوی معکوس، در مورد روسیه انجام داد تا اینکه امریکا با نزدیک کردن روسیه به خود برای رقابت بین این دو کشور فراهم و چین را همانند شوروی منزوی کند.

**فراتر وارونه**

به نظر می‌رسد که ایده کیسینجر وارونه دست کم به لحاظ نظری یک استراتژی قابل توجه امریکابرای تضعیف و ازوای چین باشد. با این حال، به نظر می‌رسد که این یک فراتر وارونه از استراتژی ۱۹۷۱ کیسینجر است؛ چراکه بدون توجه به زمینه‌های قابل تریخی مطرح شده است. در وهله نخست، درگیری چین و شوروی در دهه ۱۹۶۰ زمینه اساسی را برای موفقیت استراتژی کیسینجر فراهم کرده بود تا با استفاده از یک دهه خصومت بین این دو کشور بتواند چین را به امریکا نزدیک کند. در حال حاضر نه تنها چنین زمینه‌ای وجود ندارد بلکه چین و روسیه بالاترین سطح همکاری را دارند. نکته دوم مربوط به نیاز چین به اقتصاد غرب در دهه ۱۹۷۰ می‌شود که انگیزه قابل توجهی مانو برای استقبال گرم از کیسینجر را فراهم می‌کرد اما روسیه نه تنها در وضعیت فعلی چنین نیازی ندارد تا مشوق‌های امریکاباعث جدایی آن از چین بشود بلکه تنش موجود در سر اوکراین باعث می‌شود روسیه همچنان روابط نزدیک خود را با چین حفظ کند. شاید نزدیک‌ترین دلیل برای این موضوع نیاز چین به ویزه هواداران امریکا، برای حمایت تمام‌قد از اوکراین به همین دلیل باشد تا با مهار این بحران باعث دوری بیشتر روسیه از غرب نشود. به این ترتیب، روابط نزدیک روسیه و چین هر چند که به صورت رسمی اتحاد آرام‌روا نباشد اما دست کم در شرایط فعلی به مصلحت هر دو کشور است و به نظر نمی‌رسد که استراتژی کیسینجر وارونه بتواند تأثیری بر آن داشته باشد. با این حال، امریکا می‌تواند با دادن برخی امتیازهای امنیتی به روسیه، کاستن بحران اوکراین و دادن مشوق‌های اقتصادی قابل توجه به مسکو زمینه را برای تحقق این استراتژی فراهم کند. این چیزی است که نویسنده نامناس شورای اتلانتیک انجام آن را اجتناب‌ناپذیر کرده و به همین جهت است که باید گفت روابط سه کشور امریکا، روسیه و چین به صورت مثلث نامتوازی شکل گرفت که با ردوبدل شدن امتیازها ممکن تغییر قابل توجه در آن هست.

### کیسینجر وارونه

اصل ایده کیسینجر وارونه با معکوس در کتابچه پژوهشی شورای اتلانتیک تحت عنوان «تلگرام طولانی‌تر به سوی استراتژی جدید امریکا در قبال چین» به قلم فردی ناشناس در سال گذشته بود که در این کتابچه توصیه شده بود امریکا باید «روابط خودش را با روسیه توازن مجدد ببخشد چه تمایلی به این کار داشته باشد و چه نداشته باشد.» نویسنده نامناس تأکید دارد بر اینکه جدا کردن روسیه از چین در این راستاست و «بزرگ‌ترین خطای ژنواستراتژیک»

#### دورنما

پشت کردن اردوغان به اخوان المسلمین، رو به تل آویو

## «لیر» ترکیه با فرش قرمز

## برای هر تزیوگ ارزش نمی‌گیرد

**انتخابات ریاست جمهوری** و انتخابات پارلمانی در کشور ترکیه و جلب آرای مردم این سرزمین پارمیدوار و کوشا کرده‌است.

استقبال از گسترش روابط با اسرائیل و پذیرش همه شروط و خواسته‌های این رژیم و پهن نمودن فرش قرمز برای رئیس‌جمهور آن، اقتصاد ترکیه را بحران‌های کنونی که با آن دست به گریبان است، نخواهد رهايند، و به افزایش محبوبیت و مقبولیت اردوغان و حزب حاکم در ترکیه نمی‌انجامد؛ چراکه خطاهای راهبردی و کشتن‌دهای که دولت ترکیه در طول سالیان گذشته به انجام رسانده به ویزه سیاست‌های اقتصادی بحث‌انگیز، بلندپروازی‌های خارجی اردوغان در منطقه و از جمله دخالت نظامی در سوریه، افزایش چشمگیر آوارگان سوری ورود حدود میلیون تن از پناهیویان این کشور به خاک ترکیه و... شرایط بسیار دشوار و نامعلومی را برای دولت ترکیه به ارمغان آورده است و مسئولیت همه این بحران‌ها نیز با دولت کنونی ترکیه خواهد بود؛ به ویزه پس از تغییر نظام سیاسی این کشور از پارلمانی به ریاست جمهوری که اختیارات فراوانی به شخص رئیس‌جمهور بخشیدند و همه این عوامل به کاهش موفقیت‌های حزب عدالت و توسعه منجر شده‌است. اردوغان اکنون با حجم گسترده‌ای از ناکمی‌ها در ابعاد داخلی و خارجی مواجه است و نمی‌تواند از مسئولیت کارها و تصمیماتش و تبعات آن نیز راه گریزی بیابد؛ چراکه از سال ۲۰۰۲ تاکنون بر کرسی قدرت تکیه‌زده



و راهی برای نپذیرفتن مسئولیت‌ها و سیاست‌ها از سوی وی وجود ندارد.

اردوغان در حالی به سمت توسعه همکاری و روابط دوسویه با تل آویو ابراز تمایلی می‌کند که اوضاع به نفع اسرائیل پیش نمی‌رود و شرایط به سود آنان نیست. به ویزه پس از شکست‌های مکرر کابینه و تنش اسرائیل در نبردهای اخیر که واپسین نبرد آن، پیکار موسوم به «شمشیر قدس» بود که در ماه مه سال گذشته اتفاق افتاد و ضربه حیثیتی سنگینی به مدت ۱۱ روز به اسرائیل وارد کرد. این رژیم را در حالتی از انزوا از جهان خارج قرار داد، و امنیت آن به طرز قابل توجهی دستخوش آسیب قرار گرفت و بیش از ۶ میلیون شهرکنشین ناگزیر شدند به پناهگاه‌ها شافته و خود را از تیررس مقاومت حفظ و حراست کنند. به دیگر سخن، این نبرد به افزایش قدرت محور مقاومت در ابعاد سیاسی و نظامی منجر شد و شکستی آشکار برای اسرائیل بوده‌است.

**استقلال ویدت بیشتر برای روابطی غیراستراتژیک**

نمی‌دانیم، روابط رئیس‌جمهور اردوغان با جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) پس از این همکاری نزدیک با دولت اسرائیل و تغییر مواضع گذشته چگونه خواهد بود و چشم‌انداز روابط ترکیه با حماس چه آینده‌ای خواهد داشت؛ چراکه (دوغان در ایجاد روابط نزدیک و استراتژیک و ویزه با جنبش حماس طی ۲۰ سال گذشته به موفقیت‌های خوبی دست یافته بود و به این جنبش اجازه داده بود از خاک ترکیه برای تداوم فعالیت‌های سیاسی خود بهره‌جوید. استانبول ترکیه به مکانی امن برای رهبری جنبش حماس و اعضای آن تبدیل شده بود. هرچند ترکیه هیچگاه حمایت نظامی از این جنبش نداشته و نه تنها موشک، تکنولوژی‌های ساخت هواپیماهای بدون سرنشین... و به حماس نداده است؛ بلکه از اعطای کونک‌ترین حمایت نظامی نیز درغ نداشته است ولی انتظار می‌رود با گسترش روابط دوستانه ترکیه و اسرائیل، روابط ترکیه و جنبش حماس از شرطی که فعلی محدود شود و ممکن است یکی از شروطی که قرار داده باشد، پایان حضور جنبش حماس در اراضی ترکیه باشد؛ چراکه اسرائیل، جنبش حماس را جنبش تروریستی می‌داند و نسبت به آن حساسیت بالایی دارد که در درباره فعال این جنبش در اراضی ترکیه را غیرقابل تحمل می‌داند.

سیاست توسعه واط با اسرائیل و گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی (و ممکن است در آینده نظامی) با این رژیم از سوی ترکیه گواهی است بر این مدعا که رئیس‌جمهور ترکیه جبه‌طلب اردوغان مصلحت‌های شخصی و تداوم حضورش در قدرت را بر هر مصلحت دیگری ترجیح داده و می‌کوشد به هر قیمتی مسند ریاست جمهوری را برای خودش حفظ کند و بر اینکه قدرت باقی بماند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و حتی از شعارها و سیاست‌های گذشته‌اش نیز با هدف دستیابی به مقاصد و اهدافش عدول نخواهد کرد.

منبع:الرأی الیوم

بسیار مطلوبی با حزب عدالت و توسعه و شخص رجب طیب اردوغان داشته‌اند)، از این چرخش دچار آسیب، شگفتی و ناامیدی شده‌اند؛ چراکه دوستداران تفکر اسلام سیاسی به ویزه هواداران اخوان المسلمین همواره اردوغان را یک الگو، نمونه و شخصیت مثال‌زدنی در مواردی همچون حمایت از آرمان فلسطین برشمرده و هنوز اقدامات گذشته ترکیه به ویزه طرفستاند کشتنی‌های کمک‌سانی ترکیه را در سال ۲۰۱۰ با هدف شکستن محاصره غزه آغاز و حصار ظالمانه‌ای که اسرائیل بر مردم غزه روا داشته بود، فروماش نکرده‌اند. در جریان این اقدام نیروهای کماندو و افسران نیروی دریایی اسرائیل به کشتی مورد یورش برندن و کشتی‌های کمک‌سانی ترکیه سرزمین‌های عربی صحبت کرده و می‌کوشد به ویزه گرفت و در این رویداد تجاوز کارانه، ۱۰۰ تن از سرنشینان این کشتی‌های ترکیه کشته و تعداد بسیاری نیز زخمی شدند و در واکنش به این رخداد، بسیاری از کشورهای جهان، این اقدام رژیم صهیونیستی را محکوم کردند.

**سیاست صفر با عرب‌ها**

اردوغان از تمایلی به حل اختلاف‌ها و به صفر رساندن نقاط اختلافی کشورش با کشورهای همسایه به ویزه سرزمین‌های عربی صحبت کرده و می‌کوشد به ویزه دولت‌های عربی روابط خود را بازتعریف کند و این رویکرد، شامل کشورهایی همچون مصر و عربستان سعودی نیز می‌شود که ترکیه طی چند سال گذشته روابط تیرهای با این دو کشور تجربه کرده بود و از مخالفان دولت‌های مصر و سعودی حمایت می‌کرد. این رویکرد جدید ترکیه تنها یک استثنا دارد و آن کشور همسایه ترکیه یعنی جمهوری عربی سوریه است که ترکیه نقش عمده و مهمی در برهم زدن آرامش، امنیت و ثبات این کشور از ابتدای بحران سوریه تاکنون ایفا کرده و هم اکنون نیز بخشی از اراضی این کشور همسایه را در اشغال نیروهای خود نگاه داشته‌است.

نکته جالب توجه اینکه گروه‌های مخالفی که استانبول را به عنوان مقر و پایگاه خود برگزیده و همواره از حمایت و پشتیبانی نظام ترکیه برخوردار بوده‌اند، تاکنون هیچ انتقادی نسبت به رئیس‌جمهور ترکیه روانداشته و سخنی انتقادآمیز در این خصوص بر زبان جاری نساخته‌اند؛ چه درباره اینکه ترکیه بسیاری از اعضای مخالفان کشورهای عربی را از این کشور بیرون کرده یا درباره بسته شدن دفترهای این گروه‌های معارض در خاک ترکیه؛ چه بستن دفاتر شبکه‌های تلویزیونی شان از طرف دولت ترکیه و چه در انتقاد به سیاست جدید دولت کنونی ترکیه در خصوص توسعه روابط با اسرائیل و ابراز تمایلی برای گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی کامل با این رژیم.

نااسامانی اوضاع اقتصادی و معیشتی در ترکیه، آسیب جدی به ارز محلی ترکیه (لیره) و کاهش ارزش پول ملی ترکیه در حدود بیش از ۴۰ درصد در طول یک سال گذشته، افزایش بی‌سابقه تورم که به مرز ۳۲ درصد رسیده است، از مهم‌ترین عواملی است که به کاهش محبوبیت اردوغان و حزب حاکم بر ترکیه (عدالت و توسعه) منجر گردیده و احزاب مخالف با حزب حاکم را برای حضوری پررنگ و رقابتی برای